



## کار یکتاور سیاسی مشکلی را حل نمی‌کند

گفت‌وگو با کامیوز در بخش

کامیوز درم بخش، از مسعود کار یکتاور است های ایرانی است که آثار وی توان در داخل و خارج از ایران مورد استقبال مردم و منتقدان قرار گرفته است. درم بخش پیش از ۵۰ سال همکاری دائم با مطبوعات ایران و جهان، از جمله نیویورک تایمز و نشریات آلمانی را در کارنامه خود دارد و علاوه بر شرکت در نمایشگاه‌های متعدد، آثاری از وی در برخی موزه‌های معتبر جهان نگهداری می‌شود.

\*\*\*

**آقای درم بخش، چرا کار یکتاور است های ایرانی به سمت سمبلیسم بیشتر گرایش پیدا می‌کنند؟**  
درست است که یکی از ویژگی‌های کار یکتاور، استفاده از سمبل‌هاست اما در کشورهای مثل ایران یا روسیه، کار یکتاور به سمت سمبل‌ها خیلی بیشتر گرایش داشته است. شما علت این امر را در چه می‌بینید؟

به علت فشار و محدودیت مثل در رژیم گذشته چون شاه را نمی‌شد کشید، می‌رفتم مثلا شاهی پیدا می‌کردم که متعلق به زمان صفویه بود و وقتی که می‌خوانستم از شاه قتل‌اندی بکنم، آن کاراکتر را به چاپش می‌گذانستم البته سمبلیک بودن برای کار ما یک نوع امتیاز مثبت است چون کار را از حالت عادی و معمولی درمی‌آورد و یک کار هنری می‌شود.

**این سمبل‌ها از کجا بر می‌آیند و کجاها می‌شود به دنبال‌شان بود؟**

به هر حال، بعضی چیزها کلیشه‌ای است به عنوان مثال سبک که با توجه به داستان رانده شش حضرت آدم از بهشت، سمبل مصنوعیت شده و تقریباً در همه جا همین است. اما بعضی سمبل‌ها بومی‌ترند؛ مثلا چند در بونان سمبل خوشبختی است و

انجام بدهید و بسک و صلعای به شما بزنند این است که اتوماتیک هنر می‌رود به سمت مسائل بی‌دردی که البته آن هم حالت خوب و بد دارد و همه آنها هم که به سمت آن کارها می‌روند موفق نمی‌شوند.

**به نظر شما کار یکتاور تا چه حد قدرت سازندگی یا تخریب‌کنندگی واقعی در جامعه و سیاست می‌تواند داشته باشد؟**

من حدود ۲۵ سال پیش به این نتیجه رسیدم که کار یکتاور سیاسی که بودن مثل یک زحل را حل نمی‌کند یعنی به قول ایرانی‌ها یخ به آب زدن و به قول فرنگی‌ها بر به دیوار کوبیدن است. در حقیقت کار یکتاور نیست. تاها به این مرحله رسیدم که نمی‌تواند کاری بکنند یعنی کار یکتاور سیاسی به زبان الکنسی تبدیل شده البته سال‌های بین ۴۰ بود مثلا ۶۰ که خودم خیلی کارها کردم ولی من بارها متوجه شدم که می‌توانند آن‌ها را نه فقط داخلی بلکه در کل دنیا، نه تنها از کارهای ما کنش‌ها هم می‌گرد بلکه لذت می‌برند و یک نوع شخصیت‌سازی برایشان می‌شود و اعتبار و معروفیت می‌آورد. گاهی اوقات در عکس‌های

پست سرشال، تعدادی از کار یکتاورهای چاپ شده آنها هست یا حتی پست میز کارشان روی دیوار. من به این نتیجه رسیدم که سیاست جای دیگر قیاس می‌شود البته در مورد مسائل اجتماعی، کار یکتاور است می‌تواند خیلی مؤثر باشد ولی در کار یکتاور سیاسی خیلی کم می‌تواند مؤثر باشد و کسی توجه کند. حالا شاید این نظر شخصی باشد و همکاران نظر دیگری داشته باشند ولی به هر حال این مسئله باید روشن شود که یک کار یکتاور است تا کجا می‌تواند پیش‌رونده یعنی خط فرسزی که مرز است از آن صحبت می‌شود، کجاست؟ به عنوان مثال، در زمان شاه همه می‌دانستند که روحانیون را نباید بکشند، نه تنها اوایل انقلاب که برواه، حتی بعدها یک دستور بود ولی الان هیچ چیز مشخص و معلوم نیست البته خیلی‌ها می‌دانند شاید کسانی که خیلی سر بافته دارند، می‌دانند که چه بکنند یا نکنند ولی این مسئله از زمانی خراب شد که کار یکتاور است‌هایی را گرفتند و سوءفهم پیش آمد که به جزینی دومورد که درست بود چند مورد دیگر که بنده شاهدش بودم، چیز مهمی نبود یعنی چیزی که باعث خشم حکومت شود نبود ششوی خیلی ساده‌ای بود که خیلی هم به جای می‌بر نمی‌خورد، اما بهانه‌ای شده بود که فرض کنید روزنامه تعطیل شود آن‌ها می‌ترسند کار کنند مدیران روزنامه هم می‌ترسند که کار را از آنها قبول کنند چون باعث تعطیلی و بیکاری خودشان و کارمندان می‌شود.

**چشمی که الان ما در همه زمینه‌های ادبی و هنری داریم بحث معناگرایی است. به نظر شما یک کار یکتاور باید حتما در نهایت یک پیام داشته باشد یا صرف داشتن یک موقعیت عجیب یا خنده‌دار کافی است؟**

به هر حال، کار یکتاوری چالب است که آدم از آن مدد و مفهوم بیشتری را بگیرد تا اینکه یک جوک ساده و سطحی باشد. حتی در طبعها همین طور است. اینکه اثری ذهن شما را مشغول کند و لذت ببرد. من خودم لستش را گذاشتم تا هم قلفک دادن مفهومی خیلی ارزش دارد.

**گفت‌وگو: مهدی حیدری**

استفاده شده و از سطح بالایی برخوردار است. بهرمنند شویب، نیاز به درک مفهومی دارد. بعضی‌ها می‌گویند کارهای بدون شرح بیشتر تصویرسازی است. اعتقاد شما چیست؟ آیا کار یکتاورهای همراه کلام، بیشتر مطلوب‌عانی است؟

به نظر من هر کدام جای خودش را دارند. مثلا آن کار یکتاور ادیتور بال که راجع به مسائل رور و سیل می‌است در بسیاری از روزنامه‌های مشتر دنیا یکی از کارهای اصلی روزنامه است و اگر مثلا کار یکتاور است لومود یک روز آن را نکند، خیلی‌ها اعتراض می‌کنند که چرا امروز کار یکتاور ندارد. بعضی وقتها یک کار یکتاور ادیتور بال می‌تواند پارها از یک کار یکتاور بدون شرح بهتر باشد یا بالعکس؛ مسئله این است که این را کی و کجا به کار ببریم. به نظر من یک کار یکتاور است واقعی باید بتواند در همه این زمینه‌ها کار کند. جای اصلی کار یکتاور است در مطبوعات است. اصلا بعد از انقلاب کبیر فرقه، کار یکتاور در مطبوعات کم‌کم جفانده در اوایل برای انتقادات و سر به زدن به رفقا از آن استفاده می‌کردند بعدها و حدود سال ۴۰ عندما از کار یکتاور است‌های برآورد که خیلی از آنها از اروپای شرقی بودند، کار را با هنر مطبوع کردند و گفتند که فقط نباید در روزنامه باشد بلکه می‌تواند به دیوار یک منزل یا گالری نیز آویزان باشد فکر می‌کنم کم‌کم آنها هم که خیلی اهل کار مطبوعاتی نبودند و بیشتر جذب بخش‌های هنری و نزدیک به نقاشی بودند، به سمت آن گرایش رفتند.

**به نظر شما دلیل اینکه این همه کار یکتاور است‌های نقاشی‌گانه وجود دارند، چیست؟**  
یکی مسئله امنیت و خطرناک اجتماعی است و دوم مسئله پول که موضوع جفایی برای کارهای نمایشگاهی است. مثلا در رومانی که نسبتا کشور فقیری است، می‌بینیم که عده زیادی کار یکتاور است نمایشگاهی دارند. به هر حال آنها مقصر نیستند، مقصر یک سیستم دولتی است که این وضع را بوجود آورده. مثل خدی بی دیگر از مسائل که با آن دست به گریه‌ایم. مثلا یک روزنامه‌نگار باید کارش را انجام بدهد و ترس می‌نماند باشد، نه اینکه شما ممکن است کار خیلی معمولی

همه از آن لذت می‌برند اما در ایران چندوجه شومی دارد. بچه که بودیم می‌گفتند چند اگر گریه کنه، یک نفر می‌میرد. وقتیکه چند گریه می‌کرد من کتا صبح تنم می‌آورد و می‌ترسیدم. اینها مسائلی است که از کودکی به آدم انعامی شود. بعضی سمبل‌ها هم به طور اتوماتیک به ذهن کار یکتاور است می‌رسند. البته متاسفانه دیده می‌شود که بعضی کار یکتاور است‌ها از سمبل‌های بگفته با فرهنگ ایرانی استفاده می‌کنند مثلا برای سمبل مرگ یا گور از صلیب استفاده می‌کنند در حالی که اینجا کشوری اسلامی است ما وقتی قرار است به سمبلی فکر کنیم در درجه اول باید بدانیم آن را کجا مطرح می‌کنیم.

**من از صحبت‌های اولیه شما چنین برداشت کردم که شما معتقدید استفاده از سمبل یک جور پرتوی است و باعث ماندگاری کار می‌شود. یعنی شما این گونه طبقه‌بندی می‌کنید که کار یکتاور است‌هایی که از سمبل استفاده می‌کنند کارشان ماندگار تر است و سطح بالاتر است و کار یکتاور است‌هایی که از این سمبل‌ها استفاده نمی‌کنند، یعنی کار یکتاور‌هایی می‌کشند که بیان در آن بیشتر است یا کار یکتاور چهره می‌کشند یا به هر حال کار یکتاور‌هایی که غیر سمبلیک است، آنها از نظر مرتبه و شان هنری در جایگاه پایین‌تری قرار دارند. آیا همین طور است؟**

تخیر، اما هر کالایی یک مشتری خاصی دارد، مثلا اسپرا خیلی چیز خوبی است ولی همه به اسپرا نمی‌روند، باید نوعی آگاهی داشته باشند تا مخاطب آن باشند. آدم معمولی که موسیقی معمولی گوش می‌دهد، ممکن است از اسپرا بر در نیارود و ممکن است بگوید چرا اینها داد می‌زنند یا چی می‌کشند. رسیدن به آن مرحله که از کار هنری که در آن سمبل